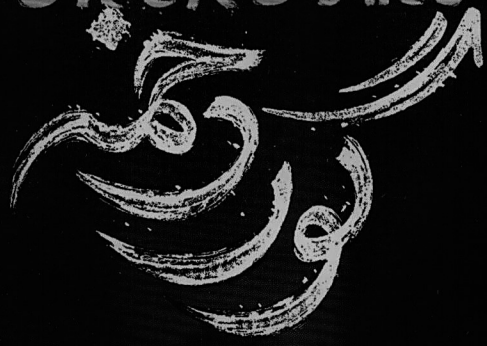




CATACOMB



پاکستان

• مدلیں روو • امیر مہدی عاطفی نیا •



سٹیڈیو

- می دونم که عکس سیاه و سفید گرفتن از مناطق مختلف آمریکا یه جورایی کلیشه‌ای شده ولی من اخیراً شیفته‌ی دایان آربوس^۱ و آنسل آدامز^۲ شده بودم. تمرکز پروژه‌ی سال آخرم روی این دو نفر بود و آقای بلیز^۳ واقعاً خوشش اومد.

دن از بین صندلی‌ها به جلو خم شد تا همراه با جردن به عکس‌ها نگاه کند و گفت: «اونا قطعاً ارزش این همه توقف رو دارن.» آن‌ها واقعاً بی‌نظیر بودند. مناظر وسیع و ساختمان‌های متروکه؛ هرچند از دید آبی ویران شده بود اما در عین حال زیبا بود. «پس بلیز بالاخره بهت بیست داد، درسته؟» آبی با شادی لبخند زد و گفت: «آره. دیگه خبری از هیجده نبود.» جردن دستش را بالا برد تا آبی به نشانه‌ی پیروزی و شادی دستش را به کف دست او بزند که آبی موفق شد بدون چشم برداشتن از جاده این کار را انجام دهد. «درواقع توی آلاباما بزرگ شده. ایده‌ی این مکان‌ها برای عکاسی رو خودش بهم داد.»

آن‌ها تاکنون چندین بار- خوب، دفعات زیاد- توقف کرده بودند تا آبی عکس بگیرد اما از نظر دن مشکلی نداشت که وقت بیشتری را در جاده سپری کنند. او می‌توانست تا ابد در آن اتومبیل به همراه دوستانش بماند، حتی اگر نوبت‌های رانندگی‌اش اندکی خسته‌کننده می‌شد.

- می‌دونم کار درستی نیست که این قدر خودمون رو از مسیر دور کنم ولی تو که عجله زیادی برای رسیدن به مقصد نداری، درسته جردن؟
- تا الان میلیون‌ها بار عذرخواهی کردی. نگران نباش. اگه برام خسته‌کننده شده بود، به زبون می‌آوردم.
آبی با خنده گفت: «آره. مطمئنم که به زبون می‌آوردی.»

^۱ Diane Arbus: عکاس معروف و آوانگارد آمریکایی.

^۲ Ansel Adams: عکاس معروف آمریکایی.